

مقدمه

برادر عبدالقادر موحد رحیمی، جوانی است مسلمان، دانشمند، ادیب، سخن سرا پژوهشگر و زحمت کش. سالهاست که با او آشنایم. دوستی و آشناییم با او دل می گشاید و جان می فزاید. در محبت با وفاست و در یاری ثابت قدم و استوار.

در شادمانی های اندک و در اندوه های فراوان همیشه با من انباز بوده است. رحیمی یکی از معدود کسانی است که من در گذر گاه زندگی خویش عمیقاً به سجایای عالی خصال پسندیده و فضایل عدیده شان اعتقاد راسخ دارم. ای کاش همه مسلمانان با پیروی از دین مبین اسلام چنین می بودند. وی بعد از ختم تحصیل مدتی را در کتابخانه عامه غور کتاب دار بود. و شناخت کاملتر خود را از انواع علوم و فنون با استفاده از مطالعه کتب فراوان در آنجا کسب کرد. خطی زیبا دارد، شعر شیوا می سراید و نثرش پخته و استادانه است. آنگاه که وطن را اردوی غارتگر روس اشغال کرد رحیمی هجرت اختیار نموده و در ایران عضویت انجمن ادبی شاعران مجاهد و مهاجر را حاصل کرد و مصروف فعالیت های فرهنگی برضد قوای متجاوز روسی گردید. در سپیده دم



تذكرة الشعراء غور

پیروزی جهاد افغانستان با گنجینه فیاض و محموله بزرگ از کتاب های
ارزنده به وطن عودت نمود.

در آن هنگام این عاجز را به ریاست عمومی اطلاعات و فرهنگ
غور برگزیده بودند، و آقای رحیمی به صفت مدیر اداری ارشاد، حج
و اوقاف ایفای وظیفه می نمود. بامساعی مشترک و همکاری فرهنگیان
غور انجمن ادبی غور را تأسیس نمودیم. دریغاکه ورق برگشت و حوادث
تلخ و ناگوار پیش آمد و فتنه هادر شہرافتاد و ما هر کس از گوشه
فرارفتیم. مرحوم میرزا عبدالرحیم خان پدر عبدالقادر موحدیکی
از شخصیت های متدین و محترم غور بود بیشتر دوره خدمت وی به کرسی
مدیرت عمومی محاسبه مستوفیت غور که وظیفه صعب و بس خطیر است
و هر کس از عهده آن بر نتواند آمد، سپری گردید. وی زمانی به حیث
مستوفی غور نیز کار می کرد آن شخصیت مهربان اکثر اوقات در شهر
چغچران در منزل خویش ضیافتی بر پامیکرد و ما چند تن از شیفته گان
دانش، ادب و فرهنگ را گرد هم می آورد و بزمی کوچک و صمیمی
و باصفای را تشکیل می داد تا شاید اینشینیم و شیوا بگوییم. افسوس که
دیوزشت، بد کردار و آدمی خوار جنگ، در یک حادثه غیر مترقبه گلوله
آتشینی از یک راکت کور را در حریم محترم منزل وی و در دل انجمن



خانواده مظلوم وی فرود آورد که در اثر آن بیشترین اعضای خانواده شریف شان به شهادت رسیدند و یا مجروح و معلول گردیدند. جنایتی بود هولناک که باز خواست آن هم به آخرت افتاد و عبدالرحیم خان را اندوه بی پایان از پای در آورد و در عین صبوری بعد از مدت کوتاه نقاب خاک بر چهره کشید که دریغم آمد یادی از او نکنم خداوند رحیم و غفور او را بیامرزاد! بعد از آن مصیبت و پس از رحلت جانگذار پدر مهربانش، رحیمی مشقت های زیادی را تحمل نمود و او را آسیای گردون در میان دو سنگ خود آرد کرد. به قول صایب تبریزی:

«پاکان ستم ز جور فلک بیشتر کنند - گندم چوپاک گشت خورد
 زخم آسیا» باری موحد عضویت انجمن ادبی هرات را نیز حاصل نمود و با وصف مصروفیت های اداری و ساحوی در هیچ حال دست از مطالعه، تحقیق، سرودن و نوشتن باز نداشت. تاجای که من با او محشور بوده ام از آثار اوست: دو مجموعه سروده های او (صدف و هدف)، مجموعه مناجات های شعرای دری زبان به نام گلستان نیایش حکمت ها و اندرزه های منظوم و منشور متقدمین ادب دری در ۵ جلد زیر عنوان «گنج رایگان» و تذکره شعرای غور مروری بر اوراق این تذکره میرساند که مولف آن آقای رحیمی چقدر تپ و تلاش کرده و تا چه حد دچار

تذکره الشعراء غور

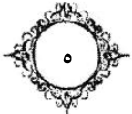
زحمت شده که از اعماق دره ها از طاق ها و رواق های دود زده روستاهای دور افتاده غور، این اندوخته های ارزنده را فراهم آورده است؟ گرد آورنده این مجموعه در فراهم آوری بیوگرافی شعراء و نمونه سخنان شان مشکلاتی به طور قطع و یقین داشته است کسانیکه با این نوع کارها تجربه دارند این دشواری ها را درک میکنند آثار بسیاری از شاعران گذشته در اثر بیسوادی بازماندگان شان کاملاً از بین رفته که تنها در محاوره زبانی عوام الناس جسته جسته ابیاتی از آنها باقی مانده است. وعده هم از این شعراء که در بیاض های خطی شعری از آنها موجود است که در آن روایت ها و کتابت ها به حدی تحریف و تصرف کرده اند که غالباً آن آثار به سستی و بی وزنی دچار شده اند. که این هم ناشی از کم سوادی نویسندگان آن کتابچه ها میباشد.

با آن هم این تذکره کاری بی نظیر در تاریخ ادبیات غور است که پیش از آن هیچکس به چنین کاری که سخت مورد نیاز بوده است اقدام نکرده و این فهرست کامل و یاد نامه شامل و ارجمندی است از شعراء گم نام خطه تاریخی و پرافتخار یعنی از سر زمین غور باستانی که وقتی دارای نقش عظیم در تاریخ تمدن کشور ما بود و ربع شرقی دنیا در تحت قلمرو امپراتوری اسلامی غور قرار داشت. از طرف دیگر این کتاب

پژوهش گران را انگیزه عالی خواهد داد تا پیرامون شخصیت و آثار یک
یک از شاعران این تذکره به تحقیق و پژوهش به پردازند و آنها را
تصحیح، تعلیق و چاپ نمایند. اکنون که این کتاب را انتشارات مومنی در
هرات طبع و نشر می نماید این اقدام نیکو را می ستاییم و موفقیت های
مزید رحیمی عزیز را با سعادت و سرفرازی شان از بارگاه الهی استدعاء
می نمایم.

شهر هرات ناحیه «۷» محله خواجه رجبند قاضی مستمند غوری

۱۳۸۷/۶/۶ هـ ش



پيشگفتار

نظری کوتاه بر پیشینه تاریخی - اجتماعی و فرهنگی غور

الف: - پیشینه تاریخی و اجتماعی:

نحمده و نصلی علی رسولہ الکریم و علی اله و اصحابه اجمعین.

اما بعد:

غور سرزمین باستانی و کهنی است که در دل تاریخ آریانای کبیر و خراسان بزرگ از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ماهوی سوری که از سلاطین و یا اقتدار و نامی غور در جریان سقوط ساسانی ها و فتوحات مسلمانان است پا ملک شنسب بن خرنک حکمران دودمان سوری غور در اوائل عصر اسلامی (حدود سنه ۳۶-هـ ۶۵۶م) و در زمان خلافت حضرت علی کرم الله وجهه به کوفه رفت و بدست او ایمان آورد و از آن حضرت عهد و لواء بستد و به غور آورد^(۱) که آن لواء از همان زمان از حکمرانی به حاکمی تیمناً و تبرکاً به میراث میرسید و حفظ میشد. و مردم غور نیز بدون جبر واکراه بلکه به رغبت و رضا، اسلام را با خلوص نیت پذیرفتند بناً حمله ولات اموی در غور به رهبری حکم بن العمر الغفاری صرف به منظور غارتگری بود نه برای گسترش اسلام^(۲) و به شهادت

تاریخ و لاه بنی امیه در غور راه نیافته اند.^(۳) و ازین رو غور یکی از مراکز مقاومت و مبارزه علیه مظالم حکام آنزمان بود.

غوری ها در سقوط حکومت بنی امیه و استقرار دولت عباسی با ابومسلم خراسانی که قیام خود را از مروالروید در همسایگی غور آغاز کرده بود همراه و هم پیمان بودند^(۴) و این خود میرساند که حکمرانان غور با عهد و پیمانی که ماهوی سوری یا امیر شنسب با حضرت علی کرم الله وجهه بسته بودند در محبت پیامبر و آل او دل بسته بوده و با اسلام همانگونه که مسلمین صدر اسلام متعهد بودند با عقیده راسخ و پایدار باقی ماندند.

مردم غور در ناسزاگوئی های که بر آل پیغمبر در تمام مناطق قلمرو حکومت و به تمام منابر عالم اسلام رواج داشت، همراه نگردیدند که نشانه تعهد شان به اسلام و احترام عمیق آنها به پیغمبر «ص» و اولاد اوست.

در طول تاریخ، غوری ها با حس سلحشوری و روحیه آزاد منشی که داشتند حاکمیت جهانگشایان را نپذیرفتند. باسلطان محمود غزنوی با آنکه یک مسلمان بود؛ جنگیدند. چون سلطان غزنه میخواست در تمام قلمرو حکومت خود رعیت مطیع و فرمان بردار داشته باشد و سالها جنگ

تذکره الشعراى غور

غوری ها با او به این دلیل بود که او خود مختاری غوری ها را محدود میساخت.^(۵) بعد از مرگ امیر محمد سوری در (۴۰۵ هـ) که با خوردن زهر در اسارت غزنویان جان داد امیر ابوعلی محمد بن سوری به حکومت غور منصوب شد و از سوی غزنویان حکومت نیمه خود مختاری غوری ها به رسمت شناخته شد. بعد از مسموم شدن ملک الجبال قطب الدین محمد در سال ۵۴۱ هـ توسط بهرامشاه غزنوی حس انتقام جوئی غوری ها برانگیخته شد تا سلطان علاالدین غوری به غزنی حمله برد و لشکر بهرامشاه را در هم شکست که منجر به تاسیس امپراتوری غوری ها شد. بعد از غوری ها حکومت قوی تشکیل دادند که از جنوب تا بهار و خلیج بنگال و از شمال تا مرو و خوارزم و از غرب تا نسا و نیشابور و از شرق تا حدود ترکستان چینی وسعت داشت.

بعد از سقوط امپراتوری غوری و آمدن خوارزمشاهیان، هجوم چنگیز صفحات تاریخ ملل شرق را با خون، اشک و ویرانی رقم زد. مردم غور که در مقابل هجوم سپاه چنگیز مقاومت های بی نظیری کرده بودند سخت ضربه دیدند چنانچه تمام شهرها و قلاع تاریخی غور به مخروبه مبدل شد و آثار باستانی دوره غوری ها و ماقبل آن اخیراً بعد از هفت قرن مدفون بودن در اثر کاوش های غیر فنی و خود سرانه افراد فرصت طلب

از خاک بر آمده و غارت شده است متأسفانه تا اکنون تحقیقات اساسی باستان شناسی و مسئولانه صورت نگرفته و بسیاری از حقایق تاریخی در پرده ابهام مانده است. آنچه برملا شده از برکت موجودیت محدود آثاریست که توسط محققان آن دوره نوشته شده و به وسیله محققین و مورخین کنونی مورد مطالعه و تدقیق قرار گرفته است.^(۶)

بعد از فرو ریختن آخرین بقایای ملوک کرت در منطقه، کم کم اخلاف سرداران غور و خان های محلی اکثرأ با تفاهم حکومت های برسر اقتدار، اداره امور مناطق را بدست گرفتند و در زمان حکومت های هوتکی و ابدالی و (۸۰) درصد دوره حکومت محمد زائی ها، فئودال های نیمه خود مختار محلی در غور به نحوی حاکمیت دولت مرکزی را تمثیل میکردند. چون کوهستانی بودن منطقه و بند بودن راه های مواصلاتی آن در پنج شش ماه سال، ضعف و عدم توانمندی دولت مرکزی، در اداره، حکومت را مجبور به پذیرفتن وضعیت میکرد. در بعضی مناطق عمال حکومتی با خان ها متفق شده به چپاول دارائی های مردم پرداخته ظلم و تعدی میکردند بناءً مردم غور علیه مظالم عمال حکومتی چند بار قیام نمودند که یک مثال برجسته آن قیام مردم چغچران

تذكرة الشعراى غور

به رهبرى شريف بيك زه رضا بود كه در زمان حكومت امير عبدالرحمن خان صورت گرفت.

در کشور ما تشکيلات حكومتى از قديم الايام وجود داشت. اما تشکيلات منظم ادارى به شكل قانونمند آن براى نخستين بار در زمان حكومت اميرامان الله خان به وجود آمد. تشکيلات مذکور در نظا منامه تحت نام تشکيلات اساسيه افغانستان در سال ۱۳۰۰ هـ ش منظور و نافذ شد. بر اساس آن افغانستان به (۵) ولايت (۴) حكومت اعلى و (۱۰) حكومت كلان كه در چوكات آن ها (۶۹) واحد ادارى درجه (۱-۲ و ۳) و (۱۰۹) علاقه دارى درجه (۱ و ۲) قرار داشت تقسيم شد.

در آن زمان غور با مركزيت تيوره به عنوان حكومت كلان غورات پذيرفته شد كه امورات مهم آن از طريق ولايت هرات كنترول ميشد.

در اداره حكومت كلان غورات حكومت هاى محلى درجه ۲ شهرك و چغچران و حكومت هاى درجه ۳ تولك و پرچمن و علاقه دارى هاى ساغر و فرسى شامل بود.

در سال ۱۳۴۱ افغانستان به (۷) و بعد (۹) ولايت و (۱۱) حكومت اعلى تقسيم شد كه غور به عنوان حكومت اعلى مستقل از حوزه نفوذ

ولایت هرات این بار با مرکزیت چغچران به عنوان مرکز حکومت اعلای غور شناخته شد.

بزودی در سال ۱۳۴۳ در این تشکیلات تغییر اساسی داده شد و افغانستان به (۲۸) ولایت و (۳۲۴) ولسوالی و (۱۱۹) علاقه داری تقسیم گردید که این بار غور به عنوان یک ولایت در تشکیل اداری دولت شناخته شد که دارای (۵) ولسوالی و (۲) علاقه داری بود.

از ابتدای سال ۱۳۴۱ که مرکز حکومت اعلا از تیوره به چغچران نقل داده شد. ولسوالی پرچمن و علاقه داری فرسی مربوط ولایت فراه گردیده و ولسوالی لعل و سرچنگل که قبلاً مربوط حکومت کلان دایزنگی بود و از طریق ولایت کابل اداره میشد رسماً به عنوان ولسوالی درجه ۲ در تشکیل اداری ولایت غور شامل گردید.^(۷) و اکنون غور یکی از ولایات ۳۴ گانه کشور است که با مساحت (۳۸۶۶۶) کیلومتر مربع بین $(33^{\circ}, 20')$, $(35^{\circ}, 15')$ عرض البلد شمالی و $(66^{\circ}, 50')$, $(62^{\circ}, 55')$ طول البلد شرقی در قلب مملکت واقع گردیده است. از طرف غرب با ولایات هرات، بادغیس و فراه و از طرف شرق به بامیان و دایکندی و از طرف شمال به ولایات سرپل و فاریاب و از طرف جنوب به ولایت هلمند محاط میباشد. ولایت غور که مرکز آن شهر چغچران است. دارای (۹) و

تذكرة الشعراى غور

لسوالى مياشد به اين ترتيب: (شهرک-تولک-ساغر-تيوره-پسابند-دولينه، لعل و سرجنگل- دولتيار- وچهار صده).

مردم غور ضمن افتخار به گذشته مثبت و درخشان دور باستان معتقد اند که افغانستان خانه مشترک همه افغان هاست و افتخار دارند که همه مسلمان و افغان اند و هميشه برای سعادت مردم و کشور خود فکر میکنند و می کوشند.

ب:- سابقه فرهنگى:

اگر به پيشينه تاريخى غور نگاه کنیم ميبنيم که مردم غورنه تنها در عرصه آزاد خواهى و مبارزه با تجاوز گران بيرونى معروف و داراى روحیه سلحشورى، شجاعت و آزاد منشى بوده اند بلکه تعهد به اسلام، حفظ ارزش هاى دينى و فرهنگى و فادارى به عهد و پيمان، راستى و صداقت نيز از خصوصيات ديگر غورى ها بوده است.

حکومت غورى فرهنگ تفاهم و همزيستى بين ملت ها و اقوام را رشد داد و تعصبات و بدبينى هاى که بين پيروان مذاهب مختلف داخل کشور به ميان آمده بود رفع نمود چنانچه تعصبات جاى خود را به منطق، استدلال و انديشه داد. نه تنها اين سياست، اختلافات و بدبينى هاى فرقه اى و قومى سابقه را تعديل نمود بلکه رشد سياسى و پختگى فرهنگى دربار غورى ها باعث اشاعه دين و فرهنگ اسلامى در هند شد.^(۸)

رشد فرهنگی و ادبیات دری در دوره غوری ها را میتوان عهد
طلائی ادبیات دری حساب کرد که آثار آن را در شبه قاره هند نیز بدست
آورد می توانیم.

حکمرانان غور، خود اکثراً عالم، ادیب، دانشمند و شاعر بوده اند.
بناءً در تربیت و تقویة علما، ادبا، عرفا و شعرا کوشیده اند سلطان علاء
الدین غوری خود صاحب دیوان شعر بوده به فرهنگ و ادب بسی ارج
مینهاد.^(۹) او کتابخانه امپراتوری غزنه را به غور انتقال داد تا از گزند
حوادث درامان بماند و علمای بزرگی چون امام فخرالدین رازی (رح)
توانستند از آن کتب استفاده نمایند که در آثار خود یاد کرده اند.^(۱۰)

I- هنر و ادبیات در غور:

متأسفانه بسیاری از آثار علمی و ادبی دانشوران، هنرمندان، شعرا و
علمای غور و بیشترین دستاوردهای هنری و فرهنگی اصر امپراتوری
غوری ها و ماقبل آن در اثر هجوم وحشیانه چنگیز نابود شده و آنچه هم
در زیر خاک مدفون مانده بود اخیراً دزدی و غارت شده است.

از جمله معدود آثار باقیمانده آن دوره چون: طبقات ناصری، چهار
مقاله نظامی عروضی، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، تذکره
لباب الالباب محمد عوفی و مطالعه بقایای ابنیه اعمار شده در عصر غوری
ها مؤید این نظر است که حکمرانان غوری به فرهنگ، ادب و ارزش های

تذکره الشعراء غور

دینی، فرهنگی، علمی و هنری ارزش خاص قایل بودند این امپراتوری بر مبنای تعصب، زور و خشونت نی بلکه بر اساس فرهنگ تفاهم، اخوت و عدالت اسلامی استوار بود تاجائیکه بین غلامان و سلاطین غوری رابطه پدر فرزندی برقرار بود و در حکومت غوری ها بود که غلامان مقام شاهی می یافتند. زنان دانشمند و برجسته در عرصه سیاسی و اجتماعی ظهور نموده استعداد خود را تبارز دادند. در این دوره به ارزش های ملی و فرهنگی ملل مختلف احترام موجود بود برای پیروان سایر ادیان در غور و تمام نقاط امپراتوری امنیت تامین بود و به آرا و عقاید مردم ارج گذاشته میشد.^(۱۱) علمای مذاهب مختلف اسلامی بدون تعصب و فشار حکومت باهم آزادانه مباحثه و مناظره میکردند و حتی در آن دوره بر علاوه تدویر جلسات علمی، دینی و تبادل نظریات زمینه های خوب تفاهم بین فرق و مذاهب مختلف از طرف حکومت فراهم بود که در دیگر ادوار سراغ نداریم.

II- شعر و شاعری در غور:

شعر که یک موهبه الهی است مظهر اندیشه و ممثل مفکوره شاعر بوده و نشان دهنده بینش و جهان بینی اوست. شعر، انعکاس دهنده درد باطنی روح شاعر در قالب سخن اوست، شعر منعکس کننده احساسات راستین در کلام موزون و دلنشینی است که نشان دهنده شخصیت شاعر

است. چون رابطه بین فرد و جامعه بر مبنای تاثیر پذیری و تاثیر گذاری است بناءً شعریک دوره در مجموع معرف هویت ادبی، فرهنگی، هنری و علمی یک جامعه شمرده میشود.

طبیعت زیبای غور فرح بخش است و این طبیعت قریحه فطری و الهام شعری را در انسان تقویت کرده و احساسات باطنی او را کماحقه منعکس میسازد بناً اگر در غور به استعداد های شعرا اندک توجهی صورت بگیرد به یقین موجب رشد و شگوفائی این گلستان همیشه بهار خواهد بود.

شاعران غور را در این مجموعه به (۳) بخش عمده (دوره قدیم - متاخرین و شعرای معاصر) تقسیم نموده ام. دوره قدیم که از آغاز تا اواخر قرن نهم هجری را در بر میگیرد و متاخرین شعرای اند که بعد از قرن دهم هجری تا نیمه دوم سده سیزدهم هجری شمسی زیسته اند. و معاصرین آنهایی اند که بعد از اواسط نیمه دوم سده سیزدهم هجری شمسی بدنیا آمده اند. که آن هم به دو قسمت تقسیم شده است شعرای که تا اخیر سال ۱۳۸۷ وفات یافته اند و شعری که تا لحظه چاپ این مجموعه حیات داشته اند.

تذكرة الشعراء غور

چنانچه مطالعه میفرمائید در مجموع، بیشترین آثار شعرای غور در قدم اول اشعار عرفانی - تصوفی و بعد اشعار اجتماعی میباشد. شعر عشقی (به معنای مجازی آن) بسیار کم است. بناءً از آثار شعرای غور تعهد عمیق به اسلام، جذبۀ دینی - ذوق عرفانی، بیان در دهای عمیق اجتماعی، مضامین اصلاحی و تربیتی و احساسات ملی مشهود است که همه بیانگر درک رسالت تاریخی شان است.

برای پیدا کردن نخستین شاعر غور تحقیقی نکرده ام ولی چنانچه از فهرست شعرای متقدم غور بر میآید، سید عبدالواسع جلی غرجستانی متوفی به سال (۵۵۵ هـ) در ردیف نخست می آید و او شاعر بزرگ است از ناحیۀ غرجستان غور که بدربار سلجوقی ها، ملوک محلی غور و در اخیر زندگی بدربار غزنوی ها به سربرده است. اشعار او آراسته به انواع صنایع زیبای ادبی میباشد.

نظامی عروضی سمرقندی که تا آخر عمر در غور و به دربار شاهان غور به سربرده نیز شاعری است که هر چند جز دو سه قطعه شعر بیشتر از او در دست نداریم معیناً کتاب چهار مقاله او مبین دانش و معرفت شخصیت علمی و ادبی اوست. امیر علی چاوش غوری، سید حسن و سید

محمد بن سید ناصر علوی غوری هم از شعرای اوائل قرن ششم هجری اند که از آنها یاد گردیده است.

در زمان امپراتوری غوری ها یعنی بعد از اواسط قرن ششم الی اوایل قرن هفتم هجری شعرای زیادی از اقصی نقاط خراسان به دربارهای ملوک غور در (فیروز کوه، بامیان، غرجستان، هرات، دهلی، تخارستان، خلیج ورس، سیستان و...) آمده و مورد تربیت ملوک و سلاطین غوری قرار گرفته اند که در این مجموعه (در بخش شعرای متقدم غور) صرف آنانی معرفی شده اند که یا اصلاً از غور بوده اند و یا از بدایت حال تا نهایت زندگی مختص به دربار غوری ها بوده و در غور زندگانی کرده اند و پارچه شعری به عنوان نمونه از آنها باقیمانده است.

آخرین فرد از شعرای متقدم غور درین تذکره، امیر حسینی سادات غوری است که در زمان ملک غیاث الدین کرت به سر میبرد و او شاعریست عارف و ادیبی است بسی فرزانه و بزرگ گرچه از قرن دهم هجری به بعد در تمام خراسان به دوره فتور شعر و ادبیات دری معروف است. ولی بدون شک هرگاه تحقیق شود آثاری از شعرای آن زمان راهم بدست آورده میتوانیم.

تذکره الشعراء غور

در راس شعرای متاخر غور از عهد تیمورشاه دُرانی مولینا عبیدالله سرحدی (شاعر قرن دوازدهم هجری) است که دیوان شعر وی اخیراً چاپ شده است. آثار عرفانی و تصوفی از عرفای بزرگی چون پیرامان الله صاحب و حضرت میر عبدالخالق آثم مشهور به صاحبی صاحب و دیگر عرفای آن زمان که لطایف تصوفی را گاهی در قالب شعر ریخته اند از همان آوان به بعد میباشند که درین مجموعه سوانح مختصر و نمونه اشعار ایشان آمده است.

اواسط سده سیزدهم هـ ش با ظهور سید جمال الدین افغان، اوج گیری جنبش های استقلال خواهی در کشور و منطقه همراه بود که با آغاز نهضت مشروطیت در کشور رنگ تازه به خود گرفت. وقوع جنگ جهانی اول و به دنبال آن پیدایش نهضت فکری بیداری و اتحاد ملل مشرق زمین در اواخر سده سیزدهم هجری، استرداد استقلال کشور از انگلیس در (۱۲۹۸) هـ ش ایجاد مطبوعات در داخل کشور نشر مقالات و اشعار محمود طرزی و ادبای دیگر کشور باعث شد تا به جریان ادب دری روح تازه دمیده شود.

در این دوره بیشتر شعرا اندیشمندان و ادبا متوجه و ضعیف مردم و جامعه خود شدند که در آثار و اشعار شعرا بیشتر موضوعات اجتماعی،

اخلاقی، ادبی، سیاسی و نکاتی مبتنی بر ارائه دردهای ملت، مفکوره بیدار سازی و اتحاد مسلمانان، جفای بیگانگان و غیره گنجانیده شده است. چون از اول سده چهاردهم هجری در کشور عصر جدید ادبی آغاز شد و غورهم ازین جریان مستثنی نیست بناءً درین تذکره از شعرای این دوره به عنوان معاصرین یاد شده است.

III- شعرای پشتو زبان منسوب به غور:

حضرت خداوند متعال میفرماید «و من آیاته خلق السموات والارض و اختلاف اللسنتکم والوانکم» سوره روم آیه (۲۲)
ترجمه: و از دلایل قدرت او «خداوند» خلقت آسمان ها و زمین است و اختلاف لغاتی که شما بدان تکلم میکنید و اختلاف رنگ های تان.

بناءً اختلاف زبان ها و رنگ ها از آیات، نشانه ها و آثار بزرگ قدرت خداوند است. پس ترجیح یکی بردیگری و تعصب در چنین موارد دلیل و لزومی ندارد زیرا در اسلام صرف تقوی مطرح است.

چنانچه خواجه ابوالفضل محمد بیهقی دبیر میگوید: «در تاریخی که میکنم سخنی نرانم که آن به تعصبی و تزیدی کشد ... بلکه آن گویم که تا خوانندگان با من اندرین موافقت کنند و طعنی نزنند»^(۱۲) خواستم

تذکره الشعرای غور

من هم درین مقدمه در مورد شعرای پشتو زبان منسوب به غور اشاره ای داشته باشم.

در کتاب «پته خزانه» اثر محمد هوتک که به کوشش استاد فاضل مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی چاپ شده سوانح و نمونه اشعار این پنج نفر به نام غور آمده است «۱- امیر کرور پسر امیر پولاد ۲- شیخ اسعد پسر محمد که گفته شده معاصر امیر محمد سوری و محشور با او بوده است. ۳- شکارندوی غوری که پسر احمد کوتوال فیروز کوه معرفی شده است. ۴- شیخ تیمن پسر شیخ کاکر ۵- ملکیار غرشین که نام این پنج تن در هیچ مأخذ و اثر تاریخی دیگری دیده نشده است.»^(۱۳)

گرچه برخی از تاریخ نگاران معاصر با استناد اثر مذکور از آن ها در تواریخ خود نقل کرده اند اما از موقع نشر پته خزانه تا اکنون شاهد شاید و باید ها، بگو مگوها و تردید های زیادی در مورد هستیم. خود مرحوم پوهاند حبیبی در مقدمه که بر طبع سوم پته خزانه چاپ کابل نوشته می نویسد: «از وقتیکه این کتاب پته خزانه نشر شد در داخل و خارج درباره آن درین مدت سی سال گفتگوها به عمل آمد و سخن ها گفته شد و بر اصالت آن شکوک و ظنون اظهار گردید و برخی آنرا مجعول این حقیر و جمعی ساخته و پرداخته مولف آن محمد هوتک در حدود

۱۱۴۱ هـ ق ۱۷۲۹ م دانستند که برای خوش ساختن حکمدار آن عصر شاه حسین هوتک بن حاجی میرویس خان جعل شده باشد و هكذا سخنان شنیدنی و ناشنیدنی گفتند» (۱۴)

بناءً معرفی شعرای که در موجودیت شان چنین پرده و هاله ای از ابهام شک و تردید وجود داشته باشد جز پیمودن طریق افراط و یاد نکردن از آنها جز رفتن در راه تفریط چیز دیگری بوده نمیتواند من برای اینکه در مورد اغماض نشود و از افراط و تفریط دوری نمایم و سخن را به تعصب و تزید نکشانم صرف درین مقدمه یادی از آنها شد و از نقل سوانح و اشعار پنج تن فوق خود داری کردم تا باشد با گذشت زمان محققین بتوانند در مورد آنها تحقیقات بیشتری نمایند و در زمینه حقایق بیشتری بدست آید.

IV- ذکر چند نکته لازم:

۱- اگر چه اهالی ولایات غور، هرات و فراه میدانند ولی بازم برای وضاحت بیشتر باید عرض نمایم که ولسوالی پرچمن از دوران قدیم تا سال ۱۳۴۰ هـ ش جزء تشکیلات اداری غور بوده و یک عده شعرای که متولد پرچمن ذکر شده اند از همان دوره اند و در مورد جمع آوری سوانح و نمونه شعر شعرای آن دوره پرچمن نیز آنطوریکه باید اقدام میشد

تذکره الشعراء غور

نشده است و متأسفانه از اکثر شعرای آن دیار یادی صورت نگرفته است که آرزو مندم در آینده جبران شود.

۲- کار جمع آوری سوانح و نمونه اشعار شعرای غور را از اوایل سال ۱۳۷۳ هـ ش شروع نمودم آن زمان در پست مدیریت اداری ریاست ارشاد، حج و اوقاف غور وظیفه داشتم و با علمای مرکز و اطراف غور تماس های مستقیم برقرار بود. مطمئن هستم که طی این پانزده سال حداقل سوانح و نمونه شعر (۹۰) درصد از شعرای غور درین مجموعه گرد آمده است اما به آنهم کامل نیست. یک عده شعرا معرفی شده اند ولی شعری از آنها بدست نیامد و چه بسا شعرای که درین مجموعه یادی از آنها نشده است و از موجودیت شان اطلاع نیافته ام که علل زیاد دارد از جمله گستردگی ساحه، مشکل ارتباطات، عدم توجه دوستان شاعر متوفی برای معرفی شخصیت شاعر وقوع جنگ های سه دهه اخیر و از بین رفتن اکثر آثار شعرا، بیسوادی مردم محل، نبود علاقه اشتهار در خود شاعر و....

۳- در این مجموعه بسیار کوشش شده است تا سوانح شعرا به طور خلاصه و دقیق و آثار شان با حفظ امانت داری بصورت درست ثبت شود بنابر آن با اکثر شعرای که در زمان جمع آوری این مجموعه حیات داشتند از نزدیک مصاحبه شده و اثر شعری از خود شان گرفته شده است. و هم

چنین شعرای بزرگواری که در گذشته اند آنها را از روی آثار خطی آنها و صحبت با اقوام نزدیک شان و یا مصاحبه با افراد خبیر و آگاه منطقه معرفی نموده ام. در این مورد فاضل ادیب و دانشمند گرانمایه آقای الحاج وکیل سید محمد رفیق نادم که یاد داشت های گران بهای شان را در اختیارم قرار دادند. استاد عالیقدر قاضی مولوی غوث الدین مستمند غوری استاد فاضل فضل الحق فضل محترم حاجی مولوی عبدالحکیم احمدی و سید علی آقای مشفق وعده دیگر دوستان نیز از معلومات و اطلاعاتی که در مورد داشتند دریغ نکردند که از ایشان قلباً تشکر میکنم و تمام مآخذ را باقید زمان و مکان در پاورقی ها ذکر نموده ام.

۴- معرفی شعرا به ترتیب حروف الفبا صورت گرفته است بنابر آن در کنار یک یا چند شاعر قوی شاعری متوسط و یا ضعیف ترهم معرفی شده است. گرچه عده ای از دوستان مخالف این ترتیب بودند و به نظر آنان نباید سوانح و آثار شعرای که به نظر آنان ضعیف تر می آمد در این مجموعه بیاید. اما من در انتخاب خود، شاعرانی را برگزیده بودم که الف:- دارای دیوان یا مجموعه شعری- چاپی یا خطی هستند.

ب:- آثار شان حدّ اقل دارای قواعد شعر و یا نظم است.

تذکره الشعرای غور

اما مسلماً نقد و تحلیل آثار بدوش فرهنگیان شعر شناس است تا صدف را از خزف باز شناسند ولی مطمئن هستم که هر نظم خامی را به نام شعر ثبت نکرده ام.

۵- در قسمت عشاق، گرچه زیاد اند ولی صرف بایی را گشوده ام تا در آینده تحقیق نموده به تکمیل آن پردازم.

در اخیر از تمام ادبا، دانشمندان و سخن شناسان عرصه فرهنگ و ادب دری، از ادبای محترم حوزه غرب کشور و به خصوص از فرهنگیان سرزمین غور باستان تقاضا میکنم که چون نشر چنین مجموعه یی قدم نخستین است، طبعاً کمبودی ها، نواقص و کاستی های زیادی دارد بناءً برای رفع آن و جهت اصلاح اشتباهات لطف فرموده بنده را در جریان قرار بدهند تا در چاپ های بعدی، تذکره کامل و جامعی تقدیم جامعه فرهنگی کشور شود.

در خاتمه از موسسه محترم انتشارات مومنی که در عرصه نشر و اشاعه فرهنگ و ادب دری در کشور از پیشگامان است و تا اکنون مصدر خدمات ارزنده علمی، ادبی و فرهنگی در جامعه گردیده است و از مدیران دانشمند و مومن موسسه که برای رشد و اعتلای فرهنگ از وجود شان سرمایه گذاشته اند و شب و روز در تلاش خدمت به فرهنگ، فرهنگیان و

دانش پژوهان دانشگاهی و غیر دانشگاهی اند اظهار سپاس و امتنان می
نمایم که نه تنها این مجموعه را به سرمایه خویش چاپ نموده اند بلکه در
ویرایش، صفا و زیبائی آن کمال سعی، کوشش و تلاش را به عمل آورده
اند که از بارگاه الهی برای ایشان پاداش و توفیقات مزید استدعا دارم.
اداره مؤسسه نشراتی مومنی و شخص خودم آماده اخذ نظریات،
پیشنهادات و انتقادات شعرا و فرهنگیان عزیز هستیم تا در چاپ های بعدی
در نظر گرفته شود.

فهرست ماخذ پيشگفتار:

- ۱- متن نامه حضرت على به ماهوى سوري در تاريخ طبرى ج ۳ ص ۵۵۷ و افغانستان بعد از اسلام عبدالحى حبيبي ص ۱۲۸ چنين آمده:
بسم الله الرحمن الرحيم. سلام على من اتبع الهدى. اما بعد فان ماهويه ابراز
مرزبان مروجأى وانى رضيت عنه و كتب سنه ۳۶ هـ لوأى كه به ملك
شنسب داده شده به استناد طبقات ناصرى ج ۱- ص ۳۲۰ چاپ كابل.
- ۲- راه نيافتن و لاه بنى اميه در غور به حواله زمجى اسفزارى ص
۲۵۹ ج ۱ هندوشاه ج ۱- ص ۵۴ و تاريخ غوريان نوشته اصغر فروغى ص
۱۳
- ۳- حملاتى كه در غور به منظور غارتگرى و چپاول صورت
گرفته به استناد تاريخ طبرى ج ۴ ص ۷ تاريخ الكامل ابن اثير ج ۱ ص
۴۵۵
- ۴- امير پولاد ابومسلم را معاونت كرد تا حكومت اموى سقوط
نمود و عباسيان استقرار يافتند به حواله ج ۱ ص ۳۲۴ طبقات ناصرى.
افغانستان بعد از اسلام پوهاند حبيبي ص ۱۲۳ هندوشاه ج ۱ ص ۵۴ تاريخ
غوريان ص ۱۳ اصغر فروغى.
- ۵- به استناد ص ۱۴۴ جغرافياى تاريخى غور استاد عزيز احمد
پنجشيرى چاپ كابل

۶- به نقل از تواریخ معتبری چون طبقات ناصری تالیف منهاج سراج جوزجانی و تاریخ مختصر غور تالیف قاضی غوث الدین مستمند غوری به اختصار.

۷- به استناد کتاب «افغانستان در ۵۰ سال اخیر» چاپ موسسه کتاب سال ۱۳۴۷ اطلس عمومی افغانستان چاپ موسسه کارتوگرافی سحاب سال ۱۳۷۴ تهران و کتاب لویه جرگه اضطراری ج اول اسد الله و لوالجی ص ۱۴۷-۱۴۹ چاپ ۱۳۸۴ کابل.

۸- به نقل از طبقات ناصری ج ۱ ص ۳۶۱ تاریخ غوریان اصغر فروغی ص ۱۰۶ تهران

۹- به نقل از چهار مقاله عروضی سمرقندی ص ۸۶ تهران و طبقات ناصری ج ۱ ص ۳۲۴ کابل.

۱۰- به نقل از تاریخ مختصر غور قاضی غوث الدین مستمند غوری ص ۵۰ چاپ دوم سال ۱۳۸۷

۱۱- طبقات ناصری ج اول ص ۳۶۱ منهاج سراج جوزجانی چاپ کابل

۱۲- تاریخ بیهقی اثر خواجه ابولفضل محمد دبیر ص ۲۲۶ به کوشش خلیل خطیب رهبر انتشارات زریاب تهران.



تذكرة الشعراى غور

۱۳- پته خزانه محمد هوتك با تحشيه، تعليق و ترجمه پوهاند

عبدالحي حبيبي چاپ كابل

۱۴- تاريخ مختصر غور ص ۹ قاضى غوث الدين مستمند غورى

انتشارات فيضى سال ۱۳۸۷ چاپ دوم

